



سخی ارزگانی

## تجلیل از روز عاشورای حسینی فصل جدید در جهت همبستگی مذهبی در افغانستان

گرچه مذهب مختلف شد هیچ کس بیگانه نیست باغبان را در چمن هر گل برنگ دیگرست

با گزینش این عنوان، آیا در ذهن یک شخص این پرسش خلق نخواهد شد که کشور ما تا حال فاقد همبستگی مذهبی بوده و است؟ آیا کسی نخواهد پرسید که بیش از 99 درصد مردم ما مسلمان، اهل یک قبله، پیروی دین مبین اسلام و پیغمبرش حضرت محمد مصطفی (ص) نیستند و دارای همبستگی مذهبی نمی باشند؟ شاید هم فردی و افرادی هم جویا شوند که آیا تا حال بدون تجلیل از روز عاشورای حسینی در جوامع سنی و شیعه مذهب، همبستگی مذهبی شیعه و سنی وجود نداشته و ندارد؟ آیا در ذهنیت عده ای این سوال پیش نمی آید که چرا تا حال در سراسر جهان اسلام، تنها شعیان از دههء محرم و به خصوص ایام عاشورای حسینی اینگونه تجلیل می نمایند و سنی ها تنها با بر پایی قرأت قرآن کریم و غیره از روز عاشورای حسینی تجلیل به عمل می آورند؟ و از قبیل چنین سوال ها کم هم نخواهند بود.



در این فرصت گشایش کنهء چنین پرسش ها و پاسخ آن از توان این قلم خارج می باشد. ولی آنچه در جریان این شش سال حاکمیت آقای حامد کرزی و آنها در زیر چتر قوای خارجی ناتو و به خصوص با به رسمیت شناختن مذهب جعفری در جوار مذهب حنفی در قانون اساسی افغانستان بوده که همه ساله به فضل خداوند متعال و از برکت مبارزات مردمان کشور ما در جهت تحقق آزادی، کثرتگرایی، عدالت، برابری اجتماعی و... از جمله روز عاشورای حسینی برای نخستین بار است که با مشارکت سنی و شیعه و مقامات طراز اول دولتی در سراسر افغانستان تجلیل می گردند.

ولی قبل از همه باید گفت که بنا بر فقرهای گوناگون که از سالیان متمادی در کشور ما مسلط اند؛ از جمله بر اساس عدم اطلاعات کافی از ارزش های دین مبین اسلام، تاریخ، جهان بشریت، ادیان، تمدن ها و غیره بوده که وطن ما در «فقدان کثرتگرایی» دینی- مذهبی نیز قرار داشت و هماهنگی لازم مذهبی وجود نداشت. منجمله به عوامل بازدارنده ذیل عطف توجه می گردد:

### - ساختار نظام فئودالی و فرهنگ قبیله‌ای:

این ساختار که در بطن خود عناصر مادی، اجتماعی و معنوی را دارا بوده که مجال تحرک و تکامل لازم را به سمت ترقی و شکوهمندی نداشته و یا در موارد هم جهش کم رنگ بوده است. یعنی کلا نظام جامعه سر بسته، محدود، گسسته از هم و فاقد زایش و پویای لازم نیازمندیهای جامعه بوده است. از جمله مردم ما هم از نعمات آگاهی معنوی و به خصوص از داشتن معلومات دینی و مذهبی چندان بهره مند نگردیدند تا حد اقل بر مبنای آن همسویی مذهبی در جهت اعتلای جامعه به مشاهده می رسید و فاصله های مذهبی را کمتر می نمود.



### - بافتار نظام سیاسی:

سیستم سیاسی دولتی متشکل از اربابان طبقات حاکمه اجتماعی جامعه بوده که در رأس نظام فئودالی اخذ موقع نموده بودند که مثل اراده و خواست طبقات استثمارگر، مالکین اراضی بزرگ، مستبدین جامعه و اجانب بودند. دولتمداران، همه ابزارها را در انحصار خودها داشتند و حتا از دین نیز در جهت تداوم انحصار حاکمیت استبداد و ترویج فرهنگ قبیلوی استفاده می کردند. یعنی زمامداران، مردم را نیز از آگاهی لازم معنوی و به ویژه دینی محروم نگهداشته و همچنان در زیر نام دین نه تنها بر مردم حکومت می رانند، بلکه موجب اختلاف مذهبی و کشتارهای سنی و شیعه و مسلمان و غیر مسلمان توسط یک دیگر نیز می شدند. یعنی سیاست ها و کنش های اکثریت زمامداران جاهل و دولت های خودکامهء کشور ما تا پایان عصر خونین امارت اسلامی طالبان، یزید گونه و در موارد هزاران مراتبه بالاتر از یزید و یزیدیان نیز بوده اند.

در این راستا با گواهی تاریخ، طبقات حاکمه و برادران سلطنتی به خاطر تصاحب رقابت انحصاری قدرت تخت شاهی همواره از عدم آگاهی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به خصوص از باورهای دینی- مذهبی جامعه که نهایت ضعیف بودند به نفع خودها حد اکثر استفاده را می نمودند و نفاق های قومی، قبیلوی، مذهبی، سمتی و... را در میان مردمان وطن ما اعم از مسلمان و غیر مسلمان ترویج می کردند تا عمر نکتبار شان طولانی می شدند. در این راستا استبداد سیاسی و دکانداران دین، خون یک شیعه را توسط یک سنی غیرآگاه به نفع خودها به زمین خدا می ریختانند و یا خون یک سنی را ذریعه یک شیعه ناآگاه و خون یک هندو را توسط یک مسلمان بی خبر از همه چیز روی زمین جاری می ساختند. در همین رابطه هم بوده که تفاهم دینی میان مسلمانان و غیر مسلمانان ما و همبستگی مذهبی میان سنی ها و شیعیان آن طوری که مصالح ملی کشور ما ایجاب می کردند، به مشاهده نرسیده اند. و این عدم هماهنگی دینی- مذهبی سبب آن

گردیده که جامعه ما از این رهگذر نیز از کاروان کثرتگرایی، ترقی، سعادت، شکوفایی و مدنیت لازم به عقب بماند. و کلا مردم ما از ارزش های دینی، نهضت حسینی و عاشورای حسینی نیز چندان اطلاعی نداشتند.

### - وابستگی دولت ها به خارج:

رقابت ها بر سر کسب قدرت سلطنتی کشور بالاخره وابستگی سران دولت های وقت را نیز به خارج و به خصوص به انگلیس ها هموار نمودند. اربابان قبیله و برادران سلطنتی با حامیان خارجی خویش از جمله موجب تشدید تنش های قومی و مذهبی در افغانستان گردیدند. مردم مجال آنرا نیافتند که از نعمات معنوی و حد اقل آگاهی مذهبی و دینی خویش بهره می شدند و تا بیشتر ازین، مورد استفاده دشمنان قرار نمی گرفتند.

استعمارگران وقت انگلیس و دولت های اجیر کشور ما از باورها و مقدسات دینی مردم ما استفاده حد اعظم را به نفع استعماری خودها و حامیان بومی شان برده اند و بر مردمان کشور ما ضربهء خیلی زیانبار را وارد نموده اند که اکنون نیز با اشکالی دیگری ادامه دارند.

تا زمانیکه وابستگی ما به کشورهای خارجی وجود دارد؛ اجانب با تمام قوا جنگ نژاد، قوم، قبیله مذهب و... را به نفع تداوم غارتگری خودها در کشور ما افغانستان «گرم» نگه می دارند.

اگر ما از آگاهی لازم دینی- مذهبی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، فرهنگی و... بهره مند نگردیم؛ نه تنها زمینه های همبستگی دینی- مذهبی در جامعه خلق نمی گردند، بلکه زیربنای های لازم تکامل و سعادت جامعه و میهن عزیز ما نیز به وجود نخواهند آمد.

### - عدم تکامل اقتصادی:

افغانستان یک کشور زراعتی عقب نگه داشته شده که اکثرا آن روستاهای بی حاصل، بی آب و فقیر می باشد. صنایع دستی نیز کم رنگ، ولی نقش دوم را در اقتصاد کشور دارد. در قسمت صنایع مدرن کمتر توجه صورت گرفته است که خلاصه اقتصاد کشور به صورت عمده به زراعت و مالداری متکی می باشد. زراعت به صورت عنعنوی بوده و فاقد کاربرد وسایل مدرن می باشد که عدم رشد لازم امور زراعت و مالداری نیز یکی از عواملی است که بر همه امورات کشور تأثیر منفی گذاشته و از جمله به عنصر آگاهی دینی- مذهبی جامعه نیز کمک کرده نتوانسته است. یعنی زیربنای اقتصادی عقب نگه داشته شده بر کلیه بافتارهای اجتماعی و معنوی جامعه نیز اثر مخرب کننده ای را گذاشته است. این عامل هم موجب شده که کلا مردمان ما از جوهر دین بی خبر بمانند و دین مورد سوء استفاده دشمنان بومی و خارجی ما قرار گیرد و بازار شیعه کشی،

سنی کشی و غیر مسلمان کشی نیز برقرار باشد. به قول جناب محترم آیت الله محمد آصف محسنی که امسال در ماه محرم در کابل گفت که: «معلومات دینی ما زیر صفر می باشد.» و فرموده شان با وضع کشور مطابقت داشته که مبالغه آمیز هم نیست. پس عوامل گوناگون دست بدست هم داده که از جمله آگاهی دینی- مذهبی مردم به حد کمال و جمال نرسد و همچنان تجلیل روز عاشورای حسینی از یک «محور» سنی و شیعه به صورت فراخ دامن به سویه رسمی و اجتماعی برگزار نگردد.



### - عقب گذاشتگی سطح فرهنگی جامعه:

وقتی که زمامداران غیر منتخب و دولت های استبدادی افغانستان به سطح رشد فرهنگی جامعه نیز تعدا توجه نکردند، یا نمی فهمیدند و خلاصه جامعه را از این رهگذر هم به نازل ترین درجه از فقر نگه داشتند. برای همه معلوم است که تحرک، نوزایی، پویایی زیرساخت یک جامعه و کشور با سطح بلند رشد فرهنگی آن می آغازند، نه با فقر فرهنگی و سطح نازل آن.

اگر در گذشت ها مردم ما صاحب حاکمیت های منتخب مستقل ملی می بودند، رهبریت سازنده و مبتکر می داشتند؛ آیا دارای سطح بهتری رشد فرهنگی نسبت به این وضع موجود نمی بودیم؟ آیا از جمله با داشتن آگاهی لازم دینی و برگذاری مراسم عاشورای حسینی، دارای همبستگی مستحکم مذهبی در کشور نمی بودیم؟ اگر پایه های همبستگی در بین اهل سنت و جامعه و شیعیان وجود می داشتند؛ آیا چطور امکان داشتند که طالبان در پوشش دین اسلام در مزار شریف فتوا صادر می کردند که: « هزاره ها و سایر شیعیان افغانستان چهار گزینه دارند: 1- شیعیان یا به امارت اسلامی طالبان باج بدهند، 2- یا از افغانستان خارج شوند، 3- یا مسلمان شوند، 4- و یا اینکه در این وطن همه ای شان کشته شوند؟» آیا این چنین نگرش یک اندیشه ای ضد انسانی، ضد

اسلامی، ضد ملی، ضد مدنی نبوده و نمی باشد؟ آیا طالبان تا حال با همین نگرش خویش علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان با جنگ، ترور، آدم ربایی، سربریدن، عملیات انتحاری و... ادامه نمی دهند؟

اگر دین در انحصار و اسارت تمدن ستیزان، جهل پرستان، زن ستیزان، دکانداران دین، خودکامگان مدرن، شوئیست‌ان داخلی و ستیزشگران ترقی و دانش قرار گیرد؛ آیا ریشه های هستی رشد، سعادت، خرد، عقلانیت، انسان و انسانیت ویران نمی گردند؟ دین برای انسان، در خدمت انسان و برای جهت شکوهمندی های بشریت نازل شده است و اگر از آن با زیر بنای خرد و آگاهی لازم در خدمت انسان استفاده صورت گیرد؛ آیا انسان با انتخاب آزاد، سعی، پیکار و مبارزات خویش با آن حد از کمال، جمال، تقوا، رستگاری، غنای معنویت و... نخواهد رسید تا بالاخره شایستگی مقام خلیفگی خدا را در روی زمین حاصل نماید؟



### خلاصه اینکه:

یکی هم از «عدم همبستگی» شیعه و سنی همانا عوامل فوق الذکر بوده که جامعه ما از این جهت از همسویی معنوی، اجتماعی، اتنیکی، قومی، طبقاتی، روانی، منطقی و... تا حال محروم می باشد. اینکه پس از سقوط حاکمیت سیاه طالبان و در بستر شش حاکمیت آقای حامد کرزی رسماً و قانوناً زمینه های همبستگی دینی- مذهبی در افغانستان مساعد گردیده و در این مدت برگذاری روز عاشورای حسینی به عنوان یک «وجوبه دینی» از سوی شیعیان و سنی های عزیز کشور ما تجلیل می گردند؛ مردم ما این را به فال نیک می گیرند. و با تمام مشکلات که در کشور ما وجود دارند؛ من این چنین برگذاری روز عاشورای حسینی را با اشتراک دولتمداران، شیعیان و سنی



های گرانقدر و دوست داشتنی خویش نهایت تقدیر نموده و از خداوند یگانه برای مردم تشنهء همبستگی دینی- مذهبی، وحدت ملی و ترقی توفیق بیشتر را در همچون همبستگی ها خواهانم.

این عکس یکی از نمای تجلیل روز عاشورای حسینی در کابل است که از سایت وزین مشارکت ملی گرفته شد.



اگر در آینده از سوی دولتمداران محترم، روحانیون کرام ( سنی و شیعه) و مردم ما به صورت همه جانبه به همبستگی و اتحاد دینی- مذهبی توجه محوری، دقیق، عینی و دوراندیشانه به عمل آیند؛ با یقین گفته می توانیم که یکی از مهم ترین «شاه کلیدهای» حل بحران افغانستان به طور عملی با خواست مردم ما به وجود خواهد آمد. روی این ملحوظ، من از جمله تجلیل روز عاشورای حسینی را در بین سنی ها و شیعیان محترم خویش در جهت ایجادهای پایه های همبستگی مذهبی نهایت تعیین کننده و با ارزش دانسته و از همه دست اندرکاران امور کشور، مردم، فرهنگیان، سیاسیون، دانشمندان، تاجران، هنرمندان، کسبه کاران، دهاقین و از فرد فرد مردمان قهرمان کشور خویش خواهشمندم که بیشترین تلاش ها، مبارزات و سرمایه های مادی، معنوی و اجتماعی را در این زمینه به خرج دهند.

ومن الله التوفیق

عکس ها از تجلیل روز عاشورای حسینی امسال در کابل از سایت وزین بی بی سی گرفته شد.

روز چهارشنبه 3 دلو 1386 خورشیدی برابر با 23 جنوری 2008 میلادی/ آلمان